

مقدمه

انقلاب اسلامی را می‌توان از زاویه جامعه‌شناسی به صورت فرایندی مستمر و پایدار تحلیل کرد. آنچه در این میان اهمیت دارد، دیدگاه‌ها و نگرش‌های متفاوتی است که می‌توان به این پدیده سیاسی - اجتماعی داشت. در تحلیل‌های جامعه‌شناختی، انقلابات را یا به صورت تکاملی و مراحل تحولی بررسی کرده‌اند که ریشه در اندیشه تکامل تاریخی «مارکسیسم - لنینیسم» دارد، و یا با نگرش «کاپیتالیستی» و از منظر سود و زیان بدان پرداخته‌اند. ما در این تحلیل با نگاهی فرایندی به انقلاب اسلامی نگرسته‌ایم. مقصود ما از نگاه فرایندی آن است که این انقلاب سیری داشته که لزوماً رو به جلو نبوده است. گاه پیشروی‌های سریع و یا کندی داشته و گاه متوقف شده و گاهی نیز حتی دارای عقب‌گرد بوده است. اما در مجموع همیشه به نقطه مطلوب و آرمانی خود نظر داشته و بر حسب توان و شرایط توانسته است، در مسیر آن حرکت و خود را به نقطه مطلوب نزدیک کند. این نقطه مطلوب، آرمان بزرگی است که در گام‌های نخستین غیر قابل دست یافتن تصور می‌شود، اما در نهایت این جامعه آرمانی شکل خواهد گرفت و به وعده‌هایی که داده شده است، عمل خواهد شد.

نقطه مرکزی این دایره مطلوب، رهبری امام خمینی (ره) و پس از ایشان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. وجه امتیاز این انقلاب، رهبری الهی است که در وجود ایشان تجلی پیدا کرده بود. همه کسانی که دل داده خداوند بودند، بدون تردید در این دایره می‌چرخیدند و اطاعت مطلق می‌کردند. البته اطاعت آن‌ها اطاعتی کور نبود. همه با عمق جان درک کرده بودند که رهبری این انقلاب، الهی است و آنچه ایشان در کلام و عمل به ارمغان می‌آورند، سنتی الهی است. انقلابات امروز که تحت عنوان بیداری اسلامی در جهان شکل گرفته‌اند، از این امر مستثنا نیستند. اگر آن‌ها این رمز بزرگ را درک کنند، قطعاً به مطلوب نزدیک خواهند شد و آرامش، پیشرفت و آبادانی را به ارمغان خواهند آورد.

کلیدواژه‌ها: رهبری الهی، خودجوشی، رویش، بازآفرینی

دکتر احمد همدانی

ایران
اسلامی
تحلیل جامعه‌شناسی انقلاب
مقاله

۱. پایش و آمایش

اندیشمندان و توده‌های مردم یکجا درک کرده بودند که ظرفیت‌های بزرگی وجود دارند که یا شناخته شده نیستند یا نادیده گرفته می‌شوند و نابود می‌گردند. به درستی نیز دریافته بودند که این سرمایه‌های بزرگ در تجمیع با یکدیگر هویت می‌یابند. پس لازم بود که ابتدا این ظرفیت‌ها رصد شوند و سازمان یابند. بزرگ‌ترین سرمایه، سرمایه انسانی و فرهنگی است که در صورت تجلی، به سرمایه‌ای اجتماعی تبدیل می‌شود. متفکران جامعه این نکته را به خوبی درک کرده بودند و از همین جا بود که تشکل‌های آشکار و زیرزمینی شکل گرفت و از دل این تشکل‌ها، انقلاب سامان‌دهی شد. لذا شکل‌گیری انقلاب اسلامی نخست به صورت خودجوش و مردمی بوده است و سپس به منظور سامان‌دهی آن، تشکل‌های خودجوش مردمی و بعدها تشکل‌های رسمی آن را پایش کردند.

۲. رویش

در جریان انقلاب، در سال‌های آغازین دهه پنجاه (۴۲ تا ۵۰) بسیار کسان بودند که نسبت به جریان انقلاب حساسیت نشان می‌دادند، اما عملاً وارد صحنه نمی‌شدند. این امر می‌توانست دلایل متعددی داشته باشد؛ از جمله ابهام آینده انقلاب، روشن نبودن برنامه‌های انقلابیون و رهبران آن، ترس افراد از آینده، نبود روحیه پویا در برخی از افراد و... اما به مرور و به دنبال آن در نسل بعدی انقلابیون، حقایق روشن‌تر شد و افرادی

مخالفان نظام افتادند. و
بالاخره، صف آن‌ها از صف نظام
جدا گردید و حرکت‌های ناروا و
ناحششان آغاز شد.

۴. باز آفرینی

محرومیت‌ها، تحقیرهایی که به وسیله
هم‌پالکی‌ها وارد می‌شود، بازبینی گذشته و
تأسف خوردن بر آن‌چه که از دست رفته است،
نامردی‌های اطرافیان و نامردی‌ها، بی‌هویتی و
خودباختگی، آلودگی و از دست رفتن‌ها، همه و همه
زمینه‌ای را فراهم می‌آورند تا انسان به آن‌چه گذشته
است فکر کند. بازگشت، جرئت می‌خواهد و ترس از این‌که
از این‌جا رانده و از آن‌جا مانده شود، انسان را دچار تردید
می‌کند. اما آنان که می‌خواستند به خویشتن خویش باز
گردند، از انقلاب آموخته بودند که نباید هراسی به دل داشت و
با روی آوردن به نقطه مطلوب می‌توان سبب شکستن تردیدها
و دودلی‌ها شد. از این‌جا باز آفرینی شکوه گذشته آغاز می‌شود
و ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت جان تازه‌ای می‌گیرند. ولی اکنون
کجایند آن والا مقامانی که با خون خود انقلاب را پرورش دادند؟!

۵. استقرار و تثبیت

شاید بتوان ادعا کرد، در تنها کشوری که انحراف از
اصول و آرمان‌های آن بین توده‌های مردم و مسئولان
اصلی نظام به‌وجود نیامده، انقلاب اسلامی ایران است.
مهم‌ترین عامل در این میان اسلام‌خواهی مردم و
مسئولان بوده است. استکبارستیزی، حفظ
استقلال کشور، کرامت‌بخشی به

به صورت مستقیم و یا
غیرمستقیم به جرگه انقلابیون
پیوستند و اتفاقاً هم اینان نیز
توانستند منشأ خدمات بسیاری شوند
و انقلاب و مسیر آن را هموارتر سازند.
از این رو، نسلی شکل گرفت که نسبت
به نسل گذشته آگاه‌تر، روشن‌تر، دقیق‌تر
و حساس‌تر بود و عشق و علاقه آن‌ها با امور
عقلانی نیز پیوند بیشتری داشت. از سوی دیگر،
میراث گذشتگان بدان‌ها به درستی انتقال یافته بود
و آن‌ها این حقیقت را درک کرده بودند که هم‌چون
گذشتگان باید جدیت و تلاش داشته باشند. بنابراین
جوانان این نسل با انگیزه‌های قوی‌تر و ایمان بیشتر به
جهادی بزرگ‌تر روی آوردند. این‌ها در واقع ضامن تداوم
انقلاب اسلامی هستند.

۳. ریزش

در همان ابتدای انقلاب، عده‌ای بودند که با سوء استفاده
از فرصت‌های پیش آمده، خود را وارد جرگه انقلابیون کردند.
برخی از آنان نیز تلاش‌های بسیاری داشتند و موفقیت‌هایی به
نفع انقلاب به دست آوردند، اما به مرور زمان ناراضی‌های
آن‌ها شکل گرفت و کم‌کم تبدیل به منتقد جریان انقلاب
شدند. اما از آن‌جا که این نقد با بصیرت و آگاهی لازم همراه
نبود، به شکل‌گیری تفکر مخالف و اپوزیسیون انجامید. در
این میان جریان‌های مخالف از فرصت به دست آمده
بهره گرفتند و آنان را در مسیر خود قرار دادند. در
نتیجه، شاید در ابتدا ناآگاهانه و شاید هم کاملاً
آگاهانه، این‌گونه افراد در تور صیادی

سوزان و آتش‌افروزنده‌ای
به سوی بشریت حقیقت‌جو
می‌فرستد. بنابراین وسعت
دشمنی‌ها به وسعت همه عالمیان
خواهد بود. این بار تا اعماق وجود
رخنه می‌کنند. اگر در گذشته تسبیح
خدا را می‌کردیم و تا عمق وجود حقیقت
این جهان به اندیشه می‌نشستیم، این بار
تسبیح را دشمن در دست گرفته، منتها یا
عمق نفاق و کفر پیش می‌رود تا جهانی بکپارچه
و جهانی سازد. اما این نیز به سر آید.

۷. سربان

بعد از این همه فراز و نشیب، تجزیه و تحلیل نهایی
آغاز می‌شود. خداوند برای این انقلاب و رهبر اصلی آن
نیروهایی را عرضه خواهد داشت که چون کوه‌اند. سرشار
از ایمان هستند و جانشان با روح رهبرشان گره خورده
است. هر چه او بخواهد همان کند. بی‌هیچ تردید و دودلی
به پیش می‌رود و در این جریان سربان می‌یابد تا در کنار
محبوب به معبود رسد. این همان زمان است که به همت
مردم و مسئولان و بازآفرینان، جشن رمضان وجود آغاز
می‌شود. هر آن‌چه ناسپاسی و کفر و پلیدی بوده است،
سوزانده و ریشه‌کن می‌شود و بهاری خوش سر خواهد آمد
و این است که می‌گوییم او حتماً خواهد آمد.
در پایان باز هم یادآور می‌شویم که مرحله‌ای
و تکاملی به این مسائل نپرداخته‌ایم، بلکه آن را
فرایندی می‌بینیم که با خواست خدا و اراده خود
در این فرایند سربان می‌یابیم.

انسان، دفاع از مظلوم،
پیشرفت و اعتلای
همه‌جانبه و... از جمله اهداف
و ارزش‌هایی بوده‌اند که همواره
تعقیب شده‌اند. مردم و مسئولان
با تأکید بر اتکای انقلاب اسلامی بر
ایمان، اعتقادات، انگیزه‌ها و عواطف
مردم، تاکنون این خط مستقیم را بدون
زاویه ادامه داده‌اند. لذا، هم به دلیل ذاتی
اسلامی بودن و هم به دلیل ارزش‌های انقلابی
برخاسته از آن اسلام (اسلام ناب محمدی)، این
انقلاب ریشه دواند و حتی موج و قدرت آن بدان جا
رسید که کشورهای آسیایی و شمال آفریقا پس از ۳۳
سال بدان پیوستند و موج بیداری اسلامی ایجاد شد.
مقاومت و شکل حرکت آن‌ها نشان می‌دهد که انقلاب
اسلامی به عنوان یک انقلاب اصیل، پایدار و قابل اطمینان
در آن‌ها تأثیر گذاشته است و در این میان، بازآفرینان نیز
به میدان آمده‌اند تا نشان دهند که هنوز راه بازگشت و توبه
فراهم است.

۶. تهدید

دشمن به آسانی نخواهد گذاشت که نه مردم، نه
مسئولان و نه بازآفرینان، نفس راحتی بکشند. آن‌ها که از
انقلاب ضربه‌ها خورده‌اند، می‌کوشند ضربه‌ای محکم‌تر و
اثربخش‌تر وارد سازند. این‌جاست که باز مشکلات شکل
می‌گیرند؛ اما این بار سخت‌تر و دشوارتر از گذشته. این
بار دشمن ظاهر نیست پشت ابرهای نفاق و تزویر
و زر خود را پنهان ساخته و هر روز اشعه‌های